



پاسخ به دو پرسش در جلسه پالتاک پیاده شده از روی نوار جلسه پالتاک، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱



منصور حکمت

ایران را آزمایش نکنیم و DNA هایشان را بررسی کنیم، چیزی راجع به لری یا کلیک بودن آنها را نمیگوید. این یک بحث سیاسی است. شما میتوانید انتخاب کنید که کس دیگری مردم را اینطوری تقسیم بکند. من میخواهم اینطوری تقسیمشان نکنم و میگویم مردم ایران یک عده انسان متساوی الحقوق هستند و به زبانهای مختلفی هم حرف میزنند. امیدوارم زبانهای بیشتری هم یاد بگیرند حرف بزنند. آیا ستم ملی وجود دارد؟ حتما وجود دارد. برای اینکه ناسیونالیسم وجود دارد و ناسیونالیسم تخصصش این است که ملیت را تبدیل کند به یک مرز غیر قابل عبور. آدمها را به این ترتیب تقسیم کند و تفرقه در آنها بوجود آورد. برای اینکه بعنوان یک ملت به ملت دیگری زور بگوید، ستم ملی وجود دارد. ولی ستم ملی را باید رفع کرد. پاسخ ستم ملی، کشور دادن ←

سؤال: آیا هنوز میشود به لنین اتکا کرد؟ آیا لنینیسم هنوز موضوعیت دارد؟
منصور حکمت: ببینید، لنین تا آنجا که در مورد شرایط تاریخی یک کشور با تاریخ مشخص حرف میزند و احکامی که صادر میکند، لزوما قابل تعمیم نیست. ولی من لنین را بعنوان کسی که ایده انقلاب کمونیستی و ایده امکان پذیری سوسیالیسم را مطرح میکند، و مسأله را ربط میدهد به دست بردن حزب کمونیستی به قدرت سیاسی، با این عنوان فکر میکنم لنین جلوی حزب ماست و همیشه موضوعیت داشته است. لنین کسی است که مارکسیسم را از دیدگاههای اولوسیونیستی و تکامل گرایانه و این که دنیا منتظر میماند تا سوسیالیسم یک وقتی خودش در تاریخ سبز بشود، نجات داد و تبدیلیش کرد به کار انسان زنده و تلاش سیاسی آدمهای زنده. نقش لنین این بود که این موقعیت را شناخت و دست بُرد برای قدرت. اگر این موضع را با خشنودی و یا ناخشنودی عده ای از حزب کمونیست کارگری ربط بدهید، لنین را از معنی واقعی اش گرفته اید و ما مدتهاست که این گرایش که سوسیالیسم را به پس فردا حواله میدهد، کنار گذاشته ایم. ما گفتیم که این حزب توی همین دوره سعی میکند که این نقش را بازی کند و موظف است بازی کند. کمونیسم موظف است بروید برای قدرت، که بتواند این انتخاب را به جامعه و طبقه کارگر بدهد که با سوسیالیسم از تحول انقلابی بیرون برود. به هر حال روش لنین مُرِمیت دارد و مُرِمیت بیشتری دارد.

سؤال: آیا ایران کشور چند ملیتی است؟
منصور حکمت: اطلاق چند ملیتی به یک کشور یا یک جامعه یک انتخاب سیاسی است. کما اینکه اگر بپرسند آیا ایران یک جامعه اسلامی است. من میگویم نه، یکی میگوید آره. به نظر من ملت و ملیت مقوله ای است سیاسی، مقوله ای است ایدئولوژیکی. کسی که تصمیم میگیرد برای مثال یک انسان را با قومیتش تعریف کند و بگوید من این را "آذری" میدانم، این را "هوتو" میدانم، این را "پشتو" میدانم، این را "ایگو" میدانم، این را "باسک" میدانم و... دارد یک انتخاب سیاسی میکند و دارد رنگ ایدئولوژی خودش را به آن جامعه میزند. ایران ممکن است چند ملیتی باشد یا نباشد، بستگی به این دارد که ایدئولوژی رسمی در آن کشور و تعیین رسمی از آن کشور را کسانی مینویسند که مقولات قومی برای شان برجستگی دارد یا نه؟ اگر من باشم میگویم نه فقط ایران، بلکه هیچ جا، کشورهای جهان چند ملیتی نیستند. آدمها با زبانهای مختلف با هم حرف میزنند، اینکه به آنها بگوییم ملت، حاصل جنبش ناسیونالیستی در این کشورهاست. در دوره های این آدمها به خودشان نگفته اند ملت. بعدا همین ملت های موجود ممکن است به چند ملیت دیگر تقسیم شوند. این یک رویداد سیاسی ایدئولوژیکی است و جزو علوم مثبت نیست. اگر مردم

عضو انجمن بی خدایان شوید!



برای رهایی از سلطه اسلام و اسلام زدایی از ایران به ما بپیوندید!

مردم به تنگ آمده از اسلام، بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی و جامعه جارو می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تخریبات و عزاداری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم. مردم! عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید! نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید! **با ما تماس بگیرید به ما بپیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش دهید.**

اعظم کم گویان
انجمن بی خدایان

bikhodayan@yahoo.com
azam_kamguian@yahoo.com
www.bikhodayan.com
<http://www.bi-khodayan.blogspot.com/>
bikhodayan@yahoogroups.com



سؤال: آیا ایران کشور چند ملیتی

دنیا هنوز برای تغییر،
به مارکس نیازمند است! جمال کمانگر ص ۲

گنجی قهرمان کدام جنبش؟
آذر مدرسی ص ۲

تابستان و تعرض دوباره به ارزش های اسلامی
یاسین میلانی ص ۴

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



دنیا هنوز برای تغییر، به مارکس نیازمند است!



جمال کمانگر

**"فلاسفه همواره جهان را به شیوه
های گوناگون تفسیر کرده اند.
اما مهم تفسیر آن است"**
کارل مارکس

سالهای (۱۸۹۴، ۱۸۸۵، ۱۸۶۱) منتشر است. شد اشاره میکنند. در این اثر مهم مارکس آنتیست، به مذهب از زاویه مارکس نشان میدهد که روابط اینکه منفعت سرمایه در باز تولید، اقتصادی تمام ارکان جامعه و از تخریب انسان است، نقد داشت. اگر جمله عقاید انسانها را رقم میزند. مارکس زنده بود و کثافت مذهب را جوهر مارکسیسم بوجود آوردن در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ انقلاب کارگری برای لغو کار میدید حتما فراتر از این جمله مزدی و الغای مالکیت خصوصی و معروفش میگفت که: "دین افیون محو طبقات و باز گرداندن اختیار به توده هاست". انسان در عرصه تولید و بهرمندی دنیای امروز هنوز به مارکس برای برابر آحاد بشر از نعمات جامعه تغییر نیازمند است.

فلسوف برجسته تاریخ بشریت را فللسفه در صدر قرار گرفت. کاندید کنند. این ۱۰ فیلسوف عبارت بودند از: کارل مارکس، دیوید هیوم، لودیک ویگنستین، فردریک نیچه، پلاتو، امانویل کانت، سانت توماس اکیونست، سقراط، ارسطو، کارل پوپر بودند.

روزنامه های زیادی در گوشه و کنار صفحاتشان به این نظر سنجی اشاره داشتند. در این مدت تلاشهای زیادی شد که هر کارشناسی از زاویه خود تاثیر این ده فیلسوف برجسته را بر تاریخ بشریت برای عموم توضیح دهد.

کسان زیادی بودند که قائل به فیلسوف بودن مارکس نبودند. اما صرف نظر از میل باطنی برگزار کنندگان این نظر سنجی و مخالفین مارکس بار دیگر این شخصیت از چنگال سرمایه را نشان داد. و به برجسته تاریخ تاکنونی بشر با اثر مهم و برجسته دیگر مارکس اختلاف زیادی نسبت به سایر یعنی کاپیتال که ۳ جلد آن در میانه

مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان باشد و اتحاد داوطلبانه آدمهایی که آنجا میخوانند زندگی کنند، مینا شهروندی است. در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومتها قرار نیست ملی باشند و ناسیونالیستی، آنوقت معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشورهای مختلفی منجر بشود. یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی... اگر ناسیونالیستها همت کنند و چنان مسائل ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیاورند که دیگر نشود بین آن ملتها با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، بله مجبوریم بعنوان

این جمله مشهور مارکس است که اخیرا و بار دیگر توسط یک نظر سنجی رادیویی که در انگلیس بر گزار و بارها توسط رادیو ۴ و وب سایت اینترنتیش تکرار شد. این رادیو یکی از پر شنونده ترین رادیو های انگلیس است که روزانه برنامه پخش میکند. یک ماه پیش از شنوندگانش خواسته بود که ده



هم گذاشت؟ من اینطور فکر نمیکنم! هر چقدر هم ممکن است به مردم کیلان ستم روا شده باشه، مساله ملی که در آن خون بپاش شده، بدبینی و دلچرکینی بوجود آمده باشد، غم پشت سرش نهفته باشد، خشم انبار شده باشد، چنین مساله ای در مورد مردم گیلک نداریم. هر وقت چنین مساله ای را برایمان ساختند، آنوقت مجبوریم با همین نسخه برویم سراغش. ولی ما به استقبال تجزیه آدمها نمیرویم، به استقبال جدا کردن انسانها از همدیگر نمیرویم، به استقبال تقسیم آنها به کشورهای شش در چهار که در هر کدامش قومی زندگی میکند نمیرویم. برعکس جهان باید مرزهایش را بردارد، باید آدمها با هم زندگی کنند، به هر زبانی میخوانند حرف بزنند، به هر زبانی میخوانند بنویسند و هر کدامش را در مرادوات اداری مؤثرتر است بکار ببرند.

من شخصا نه ناسیونالیستم و نه به هیچ ناسیونالیستی میخوام آوانس بدهم.

توسط ایرج فرزاد پیاده و مقابله شده است.

توجه کنید که حتی نقل قول مستقیم از این نوشته، هنوز نقل قول غیر مستقیم از منصور حکمت است.

یک راه حل تلخ از جدایی مردم حرف بزنیم و به فراندومهایی قائل باشیم که اجازه میدهد که ملتی که به آن خیلی ظلم شده و دیگر خوش بینی اش را نسبت به اتحاد داوطلبانه از دست داده، اگر میخواهد جدا بشود. به این اعتبار من میپذیرم. در مورد کردستان، خود ما سیاست رسمی مان اجازه داده به یک فراندوم و خواست یک فراندوم در کردستان که آیا مردم کردستان میخوانند جدا بشوند یا میخوانند در ایران با بقیه مردم با شرایط مساوی با بقیه شهروندان بمانند؟ ولی این فراندوم را شما میگویید باید در مورد کیلان

مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان باشد و اتحاد داوطلبانه آدمهایی که آنجا میخوانند زندگی کنند، مینا شهروندی است. در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومتها قرار نیست ملی باشند و ناسیونالیستی، آنوقت معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشورهای مختلفی منجر بشود. یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی... اگر ناسیونالیستها همت کنند و چنان مسائل ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیاورند که دیگر نشود بین آن ملتها با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، بله مجبوریم بعنوان

مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان باشد و اتحاد داوطلبانه آدمهایی که آنجا میخوانند زندگی کنند، مینا شهروندی است. در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومتها قرار نیست ملی باشند و ناسیونالیستی، آنوقت معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشورهای مختلفی منجر بشود. یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی... اگر ناسیونالیستها همت کنند و چنان مسائل ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیاورند که دیگر نشود بین آن ملتها با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، بله مجبوریم بعنوان



مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گنجی قهرمان کدام جنبش؟

آذر مدرسی



چیپ اش را به بهانه حمله به "استالینیسیم" از جیب درآورد! فراموش نمیکنند تعلق اش به پایه گدازی جمهوری اسلامی را "مطلوب" جلوه دهد و دشمنی خودش را با چیپ، آزادیخواهی و کمونیسم و برابری طلبی را اعلام کند. تحت بیشترین فشارها در زندان، فراموش نمی کند که به اپوزیسیون راست و غرب اعلام کند که جنس سرنگونی طلبی اش از جنس سرنگونی طلبی مردم نیست. کسی که بشدت مراقب است در اعتراض به رژیم پایش را از خط قرمز حمله به تمامیت رژیم اسلامی فراتر نهد. در کنار مردم نیست. کسی که درحال کما تئوری "مردم گاهی دیکتاتوری را انتخاب میکنند" را با آب و تاب مینویسد. و لابد با این تئوری انتظار دارد که مردم دلیل حمایت ایشان از خمینی و خدمتگاری او در رژیم اسلامی را "درک" کنند و پایه گدازی جمهوری اسلامی را به این خاطر که "خوب انتخاب مردم بوده" تطهیر کنند. این کلاه بیش از حد از سر مردم ایران گشاد است. مردم آن را به سر نخواهند کرد.

روشن است کسی که امروز در زندان برای رادیکالیسم مردم خط و نشان میکشد در فردای به قدرت رسیدن اولین قربانیانش را از میان چه کسانی انتخاب میکند. چنین کسی و چنین کمپینی را با صد من سریش هم نمیتوان به مبارزه مردم برای آزادی زندانیان سیاسی و آزادیهای سیاسی چسباند. گنجی این قهرمان راست همانقدر نماد ضدیت اپوزیسیون با رژیم است که نماد ضدیت همین اپوزیسیون با جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم. دلیل عدم استقبال مردم از کمپین آزادی گنجی را در این باید جست.

اما چرا چنین کمپینی که یک سر آن خود گنجی است، سر دیگر آن بخش وسیعی از اپوزیسیون رژیم، و سر دیگر آن دول اروپائی، در جامعه و در میان مردم تحرکی بوجود نمی آرد؟ چرا روزشمار اعتصاب غذای گنجی و نامه های او در میان مردم جوابی نمیگیرد؟ چرا مردمی که بیش از ۸ سال است برای سرنگونی رژیم اسلامی، برای خلاصی از دیکتاتوری و حاکمیت مذهب، برای آزادی بی قید و شرط سیاسی، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای لغو حکم اعدام، علیه سنگسار و بیحقوقی و تبعیض به میدان آمده اند چنین به سرنوشت گنجی با بی مهری برخورد میکنند؟ چرا تظاهرات برای آزادی گنجی با استقبال زیادی روبرو نمی شود؟ آیا مسئله آنطور که همسر گنجی میگوید تبلیغات کم بوده است؟ و مگر روزنامه های رژیم برای هشت مارسها و ۱۶ آذر ها و تبلیغات زیادی میکنند که جوانان و زنان خود را به خطر میاندازند و وسیعا در آن شرکت میکنند؟ نه دلیل تبلیغات نیست. گنجی یکی از معدود زندانیان رژیم اسلامی است که در زندان کفرانس مطبوعاتی میگذارد و نامه ها و سخنرانی هایش را بی هیچ مانعی به بیرون میفرستد. اینکه همسر گنجی یا سایر طرفداران گنجی از رژیم و زندان بانان گنجی انتظار تبلیغات بیشتری برای او داشته اند و از بابت کم کاری رژیم در این مورد گله مندند، مسئله مردم نیست. مسئله این است که مردم به حق اعتراض گنجی را اعتراض خود نمی دانند. آن را مربوط به خود و خواستههایشان نمی دانند. مردم به سادگی دیر آمدگان و اعتراض کم ملاحظشان را بر صدر نمی نشانند. مکانیسم های عروج سیاسی رهبران اعتراضی مردم، طبیعی تر و زنده تر از این ها است. حافظه مردم را نمی توان طی چند ماه ادعاهای بی تناسب، کور کرد.

علیرغم کمپین وسیعی که به راه

داریوش همایون تا علامه زاده و دول اروپائی او را بعنوان مهمترین شخصیت سیاسی جامعه ایران معرفی میکنند و آزادی او را پیروزی مردم بر رژیم قلمداد میکنند. اما آیا مبارزه برای آزادی گنجی از کیس حقوق فردی خود او و منافع سیاسی گروه او، فراتر خواهد رفت؟ به اعتقاد من نه!

در تاریخ نمونه هایی که دفاع از شخصیتی، سمبل و "نماد" دفاع از حق و حقوق مردم باشد، کم نیست. دفاع از هیچ مورد و کیس فردی، به خاطر فردی بودنش، و به خاطر اینکه صدها و صدها نفر دیگر در شرایط به مراتب بی حقوق تر صدایشان به جایی نمی رسد، نمی تواند مورد نقد باشد. دفاع از حقوق فردی مردم، و دفاع از حق هر تک شهروندی، نه تنها ایرادی ندارد که میتواند سکوی دفاع از حقوق تعداد هرچه بیشتری باشد. همیشه باید از این امکان که کمپینی در دفاع از هر تک مورد پیام شدن حقوق انسان بتواند موجب احقاق حقوق مردم شود، استقبال کرد. مواردی از اینکه جنبش هایی خود را با فردی تداعی کنند و یا جنبشی از کانال دفاع از کسی خود را بیان کند، کم نیست. جنبش علیه آپارتاید در افریقا با نلسون مندلا تداعی میشود و دفاع از مندلا و تلاش برای آزادی او از زندان بخشی از مبارزه مردم علیه آپارتاید در افریقای جنوبی است، چرا که مندلا بطور واقعی نماینده جنبش ضد آپارتاید در افریقای جنوبی است. ظاهرا کمپین آزادی گنجی و خود گنجی قرار است چنین نقشی را در تاریخ و حیات سیاسی جامعه ایران بازی کنند. آیا میتواند؟ به اعتقاد من نه! این حرکتی عقب، درون خانوادگی است که با خواست مردم و جایگاهی که جنبش اعتراضی علیه رژیم در آن قرار دارد، فرسنگها فاصله دارد. گنجی دیر آمده است. اعتراض اش کم ملاحظه است. از خواستههای مردم فاصله دارد. در کمپ مردم نیست.

بیش از یکماه از اعتصاب غذای اکبر گنجی میگذرد و آزادی گنجی به تقابل بخشی از نیروهای سیاسی و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در اینکه گنجی بعنوان زندانی سیاسی باید آزاد شود تردیدی نیست اما کمپینی که برای آزادی گنجی شروع شده است کمپینی برای آزادی همه زندانیان سیاسی و یا کمپینی در دفاع از آزادی عقیده و بیان همگان، نیست. بعلاوه و از این بیشتر برخلاف "ظاهرش" حتی کمپینی تنها برای آزادی گنجی هم نیست. موضوع از این فراتر است. کمپین برای آزادی گنجی از طرف بخشی از اپوزیسیون به راه افتاده است. از طرف دیگر دول اروپائی هم آزادی گنجی را به اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند. طیف متنوعی از جریانات سیاسی از دفتر تحکیم وحدت گرفته تا انواع جریانات جمهوریخواه و لیبرال و راست و بخشی از جریانات منسوب به چیپ، گنجی را به شخصیت سیاسی مهم و سمبل مبارزه با دیکتاتوری در ایران تبدیل کرده اند. اینها تلاش میکنند که امرشان در مورد آزادی گنجی را به عنوان تلاشی برای آزادیهای سیاسی قلمداد کنند. تقابل گنجی با ولایت فقیه و شخص خامنه ای، بعنوان تقابل آزادیخواهی و دیکتاتوری قلمداد میشود. گنجی بعنوان "نماد آزادیخواهی" مردم و موضوع تقابل مردم با رژیم اسلامی عنوان میشود. از منتظری تا شعرا و "ادبا" و طیف هنرمندان قانونی، گنجی را قهرمان ملی میخوانند، برایش سجده میروند و در وصف حالش شعر میگویند. از



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



کنفرانس اول سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست، برگزار میشود!

این کنفرانس تجمع عمومی و بزرگ همه جوانانی است که برای سرنوشت رژیم اسلامی و برپایی جهانی آزاد و برابر تلاش میکنند! این کنفرانس مبلغین، طرفداران و سازماندهندگان شعار "زنده باد آزادی و زنده باد برابری" است!

این کنفرانس محلی برای آشنایی با دیگر جوانان چپ، کمونیست و آزادیخواه، محلی برای اتحاد و مبارزه متشکل برای سرنوشت رژیم اسلامی است!

این کنفرانس همه دانشجویان آزادیخواه و کمونیست در ایران است!

شرکت عموم در این کنفرانس آزاد است!

در این کنفرانس شرکت کنید!

امکان شرکت شما از طریق اینترنت در این کنفرانس موجود است!

زمان: جمعه ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ - ۱۵ اوت ۲۰۰۵

محل: گوتنبرگ - سوئد

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

omidirnadk@yahoo.com : امید خدابخش

nasimrahnamadk@yahoo.com : نسیم رهنما

jkamangar@yahoo.com : جمال کمانگر

bahramsik@yahoo.com : بهرام مدرسی

foadsjk@yahoo.com : فواد عبداللهی



تابستان و تعرض دوباره به ارزشهای اسلامی!

یاسمین میلانی



یک ماه از تابستان گذشت. یک ماه تحمل گرما زیر جهنم حجاب و پوشش اسلامی در ایران.

طرح یورش نیروی انتظامی به دختران و زنان به بهانه "بدحجابی" و "بی حجابی"، تازه بعد از مضحکه انتخابات شان زیادی حال آدم را به هم می زند. خودشان هم می دانند که تفاوت ایندوره با دوره های قبل در زیر سوال رفتن ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از جانب نسل جوان است و گرنه تا بدین حد در جریان بساط انتخابات کاندیده ها و عکس های تبلیغاتی آنان با دختران جوان به عقب نشینی وادار نمی شدند.

فرهنگ غیراخلاقی و فساد از سوی بعضی از افراد سودجو و فرصت طلب، این طرح به منظور تاسمین و حفظ نظم و امنیت عمومی، جلب رضایت شهروندان، احساس امنیت در بین مردم، انجام وظایف ذاتی نیروی انتظامی، جلب اعتماد عمومی نسبت به نیروی انتظامی، در طول تابستان در اماکن و نقاط مورد نظر اجرا می شود.

این زبان درازی ها دقیقاً نتیجه رشد شکستن سنتها و لگد زدن به تابوها و ایدئولوگ اسلامی است که نسل جوان در ایران را به تعیین تکلیف با حکومت و سیستم بازتولید و اشاعه عقب ماندگی و ارتجاع می کشاند. سران رژیم اسلامی از عمق نارضایتی و نفرت مردم از وجودشان آگاهند. ترس اینها از ورود فعال مردم به صحنه سیاست است. خودشان هم فهمیده اند که نمی توان این نسل را با شلاق و اعدام و چاقو و اسید به خانه فرستاد.

این دوران باید تدارک یک تعرض سازمانیافته به کلیت رژیم باشد. تلاشهای مستصلانه نیروی انتظامی قادر نخواهد بود که جمهوری اسلامی را از زیر حمله زنان و جوانان مدرن نجات دهد. با سازماندهی قیام علیه این سیستم توحش، فصل مهمی در بی حقوقی سیستماتیک انسان به پایان خواهد رسید.

بلاخره باید به نوعی جوانان را پای صندوقهای رای می کشیدند (که ناکام ماندند) و با اعلام وعده گسترش آزادی های فردی و مدنی جوانان و زنان را به شرکت در این خیمه شب بازی و کسب مشروعیت برای حاکمیت دوباره اسلام بر کرده جامعه به جهانیان نشان می دادند. اما این ترفندها راه به جایی نبرد. هر آدم عاقلی که دوم خرداد و وعیدهای توخالی سید خندان را دیده، محال است قائل به تغییر در سیستم نظام اسلامی در خدمت خوشبختی و آزادی بشر شود.

با هم گوشه ای از طرح یورش نیروی انتظامی در فصل تابستان و بعد از مضحکه انتخابات به بهانه "بدحجابی" می خوانیم: "فرماندهی انتظامی استان تهران طرح برخورد با مظاهر علنی فساد در اماکن تفریحی و گردشگری استان تهران (محور جاده چالوس، تنگه واشی، چشمه اعلاء، محور برغان، و لیسان، و ...) را در طول فصل تابستان اجرا می کند. وی در خصوص اجرای این طرح گفت: از آنجایی که همه ساله افراد زیادی به استان تهران به سبب داشتن مناطق خوش آب و هوا و اماکن تفریحی متنوع و جهت استفاده از اماکن تفریحی آن مسافرت می کنند و نیز با توجه به اشاعه

از این سایت ها دیدن کنید:

- www.javanx.com
- www.hekmatist.com
- www.oktoobr.com
- www.rahai-zan.com
- www.iran-tribune.com
- www.pasox.org



برنامه های روزانه پرتو

برنامه های پرتو هر روز از ساعت ۸ تا ۹ شب به وقت تهران (۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ بعدازظهر به وقت اروپا) مرکزی و ۱۱:۳۰ تا ۹:۳۰ صبح به وقت امریکای غربی از شبکه کانال یک پخش میشود

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Verical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC : 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com /parto

گروپ جوانان حکمتیست در یاهو!

http://

groups.yahoo.com/
javananekomonist

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsik@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۳

سرپریر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون دبیر: جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید!